

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

یس ﴿۱﴾

فولادوند: یس [یاسین]

مکارم: یس.

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿۲﴾

فولادوند: سوگند به قرآن حکمت‌آموز

مکارم: سوگند به قرآن حکیم.

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۳﴾

فولادوند: که قطعا تو از [جمله] پیامبرانی

مکارم: که تو قطعا از رسولان (خداوند) هستی.

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۴﴾

فولادوند: بر راهی راست

مکارم: بر طریقی مستقیم.

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿۵﴾

فولادوند: [و کتابت] از جانب آن عزیز مهربان نازل شده است

مکارم: این قرآنی است که از سوی خداوند عزیز و رحیم نازل شده.

لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿۶﴾

فولادوند: تا قومی را که پدرانشان بیم‌داده نشدند و در غفلت ماندند بیم‌دهی

مکارم: تا قومی را انذار کنی که پدران آنها انذار نشدند و لذا آنها غافلند.

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۷﴾

فولادوند: آری گفته [خدا] در باره بیشترشان محقق گردیده است در نتیجه آنها نخواهند گروید

مکارم: فرمان (الهی) در باره اکثر آنها تحقق یافته، به همین جهت ایمان نمی‌آورند.

إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ ﴿۸﴾

فولادوند: ما در گردنهای آنان تا چانه‌هایشان غله‌ای نهاده‌ایم به طوری که سرهایشان را بالا نگاه داشته و دیده فرو هشته‌اند

مکارم: ما در گردنهای آنها غله‌ای قرار دادیم که تا چانه‌ها ادامه دارد، و سرهای آنها را به بالا نگاه داشته است.

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿٩﴾

فولادوند: و [ما] فراروی آنها سدی و پشت‌سرشان سدی نهاده و پرده‌ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده‌ایم در نتیجه نمی‌توانند

بینند

مکارم: و در پیش روی آنها سدی قرار دادیم، و در پشت سرشان سدی، و چشمان آنها را پوشانده‌ایم، لذا چیزی را نمی‌بینند!

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾

فولادوند: و آنان را چه بیم دهی [و] چه بیم ندهی به حالشان تفاوت نمی‌کند نخواهند گروید

مکارم: برای آنها یکسان است، چه اندازشان کنی یا نکنی، ایمان نمی‌آورند.

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿١١﴾

فولادوند: بیم دادن تو تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نماند بترسد [چنین کسی

را] به آمرزش و پاداشی پر ارزش مرده ده

مکارم: تو تنها کسی را انداز میکنی که از این یادآوری الهی پیروی کند، و از خداوند رحمان در پنهان بترسد، چنین کسی را به

آمرزش و پاداش پر ارزش بشارت ده!

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ﴿١٢﴾

فولادوند: آری ما بیدار می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند با آثار [و اعمال]شان درج می‌کنیم و هر چیزی را

در کارنامه‌ای روشن برشمردیم

مکارم: ما مردگان را زنده می‌کنیم، و آنچه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آنها را می‌نویسیم، و همه چیز را در «کتاب» احصا

کرده‌ایم.

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١٣﴾

فولادوند: [داستان] مردم آن شهری را که رسولان بدانجا آمدند برای آنان مثل زن

مکارم: برای آنها «اصحاب قریه» را مثال بزن، هنگامی که فرستادگان خدا به سوی آنها آمدند.

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ ﴿١٤﴾

فولادوند: آنگاه که دو تن سوی آنان فرستادیم و [لی] آن دو را دروغزن پنداشتند تا با [فرستاده] سومین [آنان را] تایید کردیم پس

[رسولان] گفتند ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده‌ایم

مکارم: هنگامی که دو نفر از رسولان را به سوی آنها فرستادیم، اما آنها رسولان (ما) را تکذیب کردند، لذا برای تقویت آن دو، شخص سومی فرستادیم، آنها همگی گفتند ما فرستادگان (خدا) به سوی شما هستیم.

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ﴿١٥﴾

فولادوند: [ناباوران آن دیار] گفتند شما جز بشری مانند ما نیستید و [خدای] رحمان چیزی نفرستاده و شما جز دروغ نمی‌پردازید
مکارم: اما آنها (در جواب) گفتند: شما جز بشری همانند ما نیستید، و خداوند رحمان چیزی نازل نکرده، شما فقط دروغ می‌گوئید!

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾

فولادوند: گفتند پروردگار ما می‌داند که ما واقعا به سوی شما به پیامبری فرستاده شده‌ایم
مکارم: آنها گفتند پروردگار ما آگاه است که ما قطعاً فرستادگان (او) به سوی شما هستیم.

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾

فولادوند: و بر ما [وظیفه‌ای] جز رسانیدن آشکار [پیام] نیست
مکارم: و بر عهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست.

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجِمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨﴾

فولادوند: پاسخ دادند ما [حضور] شما را به شگون بد گرفته‌ایم اگر دست برندارید سنگسارتان می‌کنیم و قطعاً عذاب دردناکی از ما به شما خواهد رسید

مکارم: آنها گفتند ما شما را به فال بد گرفته‌ایم (و وجود شما شوم است) و اگر از این سخنان دست برندارید شما را سنگسار خواهیم کرد، و مجازات دردناکی از ما به شما خواهد رسید.

قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿١٩﴾

فولادوند: [رسولان] گفتند شومی شما با خود شماست آیا اگر شما را پند دهند [باز کفر می‌ورزید] نه بلکه شما قومی اسرافکارید

مکارم: گفتند شومی شما از خودتان است اگر درست بیندیشید! بلکه شما گروهی اسرافکارید.

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠﴾

فولادوند: و [در این میان] مردی از دورترین جای شهر دوان دوان آمد [و] گفت ای مردم از این فرستادگان پیروی کنید
مکارم: مردی (با ایمان) از نقطه دور دست شهر با شتاب فرا رسید، گفت: ای قوم من! از فرستادگان خدا پیروی کنید.

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٢١﴾

فولادوند: از کسانی که پاداشی از شما نمی‌خواهند و خود [نیز] بر راه راست قرار دارند پیروی کنید
مکارم: از کسانی پیروی کنید که از شما اجری نمی‌خواهند و خود هدایت یافته‌اند.

وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾

فولادوند: آخر چرا کسی را پرستم که مرا آفریده است و [همه] شما به سوی او بازگشت می‌باید
مکارم: من چرا کسی را پرستش نکنم که مرا آفریده است ؟ و همگی به سوی او بازگشت می‌کنید.

أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ﴿٢٣﴾

فولادوند: آیا به جای او خدایانی را پرستم که اگر [خدای] رحمان بخواهد به من گزندی برساند نه شفاعتشان به عالم سود می‌دهد و نه می‌توانند مرا برهانند

مکارم: آیا غیر از او معبودانی را انتخاب کنم که اگر خداوند رحمان بخواهد زبانی به من برساند شفاعت آنها کمترین فایده‌ای برای من ندارد و مرا (از مجازات او) نجات نخواهند داد.

إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾

فولادوند: در آن صورت من قطعاً در گمراهی آشکاری خواهم بود

مکارم: اگر چنین کنم من در گمراهی آشکاری خواهم بود.

إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ ﴿٢٥﴾

فولادوند: من به پروردگارتان ایمان آوردم [اقرار] مرا بشنوید

مکارم: (به همین دلیل) من به پروردگارتان ایمان آوردم، به سخنان من گوش فرا دهید.

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

فولادوند: [سرانجام به جرم ایمان کشته شد و بدو] گفته شد به بهشت درآی گفت ای کاش قوم من می‌دانستند

مکارم: (سرانجام او را شهید کردند و) به او گفته شد وارد بهشت شو گفت ایکاش قوم من می‌دانستند.

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿٢٧﴾

فولادوند: که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و در زمره عزیزانم قرار داد

مکارم: که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامی داشتنانم قرار داده است.

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُتَرَلِّينَ ﴿٢٨﴾

فولادوند: پس از [شهادت] وی هیچ سپاهی از آسمان بر قومش فرود نیاوردیم و [پیش از این هم] فرودفرستنده نبودیم

مکارم: ما بعد از او بر قوم او هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم و هرگز سنت ما بر این نبود.

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ﴿٢٩﴾

فولادوند: تنها يك فریاد بود و بس و بناگاه [همه] آنها سرد بر جای فسرند

مکارم: فقط يك صیحه آسمانی بود! ناگهان همگی خاموش شدند!!

يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٠﴾

فولادوند: دریغا بر این بندگان هیچ فرستاده‌ای بر آنان نیامد مگر آنکه او را ریشخند می‌کردند

مکارم: افسوس بر این بندگان که هیچ پیامبری برای هدایت آنها نیامد مگر اینکه او را استهزاء می‌کردند.

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾

فولادوند: مگر ندیده‌اند که چه بسیار نسلها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آنها به سویشان باز نمی‌گردند

مکارم: آیا ندیدند چقدر از اقوام پیش از آنها (به خاطر گناهانشان) هلاک کردیم، آنها هرگز به سوی ایشان باز نمی‌گردند.

وَإِنْ كُلُّ لَمَمًا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٣٢﴾

فولادوند: و قطعاً همه آنان در پیشگاه ما احضار خواهند شد

مکارم: و همه آنها روز قیامت نزد ما حاضر می‌شوند.

وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾

فولادوند: و زمین مرده برهانی است برای ایشان که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن می‌خورند

مکارم: زمین مرده برای آنها آیتی است، ما آنرا زنده کردیم، و دانه‌هایی از آن خارج ساختیم، و آنها از آن می‌خورند.

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾

فولادوند: و در آن [زمین] باغهایی از درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمه‌ها در آن روان کردیم

مکارم: و در آن باغهایی از نخلها و انگورها قرار دادیم و چشمه‌هایی از آن بیرون فرستادیم.

لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾

فولادوند: تا از میوه آن و [از] کارکرد دستهای خودشان بخورند آیا باز [هم] سپاس نمی‌گذارند

مکارم: تا از میوه آن بخورند در حالی که دست آنها هیچ دخالتی در ساختن آن نداشته است، آیا شکر خدا را بجا نمی‌آورند؟

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾

فولادوند: پاک [خدایی] که از آنچه زمین می‌رویانند و [نیز] از خودشان و از آنچه نمی‌دانند همه را نر و ماده گردانیده است

مکارم: منزه است کسی که تمام زوجها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویانند، و از خود و از آنچه نمی‌دانند!

وآيَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلَمُونَ ﴿٣٧﴾

فولادوند: و نشانه‌ای [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] از آن برمی‌کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می‌روند

مکارم: شب برای آنها (نیز) نشانه‌ای است (از عظمت خدا) ما روز را از آن بر می‌گیریم، ناگهان تاریکی آنها را فرا می‌گیرد.

وَالشَّمْسُ تَحْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾

فولادوند: و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است تقدیر آن عزیز دانا این است

مکارم: و خورشید (نیز برای آنها آیتی است) که پیوسته به سوی قرارگاهش در حرکت است، این تقدیر خداوند قادر و دانا است.

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾

فولادوند: و برای ماه منزلهایی معین کرده‌ایم تا چون شاخک خشک خوشه خرما برگردد

مکارم: و برای ماه منزلگاههایی قرار دادیم (و به هنگامی که این منازل را طی کرد) سرانجام به صورت شاخه کهنه (قوسی شکل

و زرد رنگ) خرما در می‌آید.

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾

فولادوند: نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی جوید و هر کدام در سپهری شناورند

مکارم: نه برای خورشید سزاوار است که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد و هر کدام از آنها در مسیر خود شناورند.

وآيَةُ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾

فولادوند: و نشانه‌ای [دیگر] برای آنان اینکه ما نیاکانشان را در کشتی انباشته سوار کردیم

مکارم: این نیز برای آنها نشانه‌ای است (از عظمت پروردگار) که ما فرزندانشان را در کشتیهایی که مملو (از وسائل و بارها است)

حمل کردیم.

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾

فولادوند: و مانند آن برای ایشان مرکبها [ی دیگری] خلق کردیم

مکارم: و برای آنها مرکبهای دیگری همانند آن آفریدیم.

وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿٤٣﴾

فولادوند: و اگر بخواهیم غرقشان می‌کنیم و هیچ فریادرسی نمی‌یابند و روی نجات نمی‌بینند

مکارم: و اگر بخواهیم آنها را غرق می‌کنیم، به طوری که نه فریادرسی داشته باشند، و نه کسی آنها را از دریا بگیرد.

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾

فولادوند: مگر رحمتی از جانب ما [شامل آنها گردد] و تا چندی [آنها را] برخوردار سازیم

مکارم: مگر باز هم رحمت ما شامل حال آنها شود و تا زمان معینی از این زندگی بهره گیرند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٥﴾

فولادوند: و چون به ایشان گفته شود از آنچه در پیش رو و پشت سر دارید بترسید امید که مورد رحمت فرار گیرید [نمی‌شنوند]

مکارم: هنگامی که به آنها گفته شود از آنچه پیش رو و پشت سر شما است (از عذابهای الهی) بترسید، تا مشمول رحمت الهی شوید (اعتنا نمی‌کنند).

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾

فولادوند: و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان بر آنان نیامد جز اینکه از آن رویگردان شدند

مکارم: و هیچ آیه‌ای از آیات پروردگارشان برای آنها نمی‌آید مگر اینکه از آن روی گردان می‌شوند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٧﴾

فولادوند: و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا به شما روزی داده انفاق کنید کسانی که کافر شده‌اند به آنان که ایمان آورده‌اند

می‌گویند آیا کسی را بخورانیم که اگر خدا می‌خواست [خودش] وی را می‌خورانید شما جز در گمراهی آشکاری [بیش] نیستید

مکارم: و هنگامی که به آنها گفته شود از آنچه خدا به شما روزی کرده انفاق کنید کافران به مومنان می‌گویند آیا ما کسی را اطعام کنیم که اگر خدا می‌خواست او را اطعام می‌کرد (پس خدا خواسته که او گرسنه باشد) شما فقط در گمراهی آشکارید.

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾

فولادوند: و می‌گویند اگر راست می‌گویید پس این وعده [عذاب] کی خواهد بود

مکارم: آنها می‌گویند اگر راست می‌گوئید این وعده (قیامت) کی خواهد بود؟!

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾

فولادوند: جز يك فریاد [مرگبار] را انتظار نخواهند کشید که هنگامی که سرگرم جدالند غافلگیرشان کند

مکارم: (اما) جز این انتظار نمی‌کشند که يك صیحه عظیم (آسمانی) آنها را فرو گیرد در حالی که مشغول جدال (در امور دنیا) هستند!

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾

فولادوند: آنگاه نه توانایی وصیتی دارند و نه می‌توانند به سوی کسان خود برگردند

مکارم: (چنان غافلگیر میشوند که حتی) نمی‌توانند وصیتی کنند، یا به سوی خانواده خود مراجعت نمایند!

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾

فولادوند: و در صور دمیده خواهد شد پس بناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می‌آیند

مکارم: (بار دیگر) در صور دمیده میشود ناگهان آنها از قبرها شتابان به سوی (دادگاه) پروردگارشان میروند.

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾

فولادوند: می‌گویند ای وای بر ما چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت این است همان وعده خدای رحمان و پیامبران راست می‌گفتند

مکارم: می‌گویند ای وای بر ما! چه کسی ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ (آری) این همان است که خداوند رحمان وعده داده و فرستادگان (او) راست گفتند.

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾

فولادوند: [باز هم] يك فریاد است و بس و بناگاه همه در پیشگاه ما حاضر آیند

مکارم: صیحه واحدی بیش نیست (فریادی از این برمیخیزد) ناگهان همگی نزد ما حاضر میشوند.

فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾

فولادوند: امروز بر کسی هیچ ستم نمی‌رود جز در برابر آنچه کرده‌اید پاداشی نخواهید یافت

مکارم: امروز به هیچکس ستم نمیشود و جز آنچه را عمل میکردید جزا داده نمیشوید.

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَاكِهِونَ ﴿٥٥﴾

فولادوند: در این روز اهل بهشت کار و باری خوش در پیش دارند

مکارم: بهشتیان امروز به نعمتهای خدا مشغول و مسرورند (و از هر اندیشه ناراحت کننده برکنار).

هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأُرَائِكِ مُتَكِئُونَ ﴿٥٦﴾

فولادوند: آنها با همسرانشان در زیر سایه‌ها بر تختها تکیه می‌زنند

مکارم: آنها و همسرانشان در سایه‌های (قصرها و درختان بهشتی) بر تختها تکیه کرده‌اند!

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَّا يَدْعُونَ ﴿٥٧﴾

فولادوند: در آنجا برای آنها [هر گونه] میوه است و هر چه دلشان بخواهد

مکارم: برای آنها در بهشت میوه بسیار لذت بخشی است و هر چه بخواهند در اختیار آنها خواهد بود.

سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾

فولادوند: از جانب پروردگار [ی] مهربان [به آنان] سلام گفته می‌شود

مکارم: برای آنها سلام (و درود الهی) است، این سخنی است از ناحیه پروردگار

وَأَمْتَاذُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾

فولادوند: و ای گناهکاران امروز [از بی‌گناهان] جدا شوید

مکارم: جدا شوید امروز ای گنهکاران!

أَلَمْ أَعْهَدْ لَكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٦٠﴾

فولادوند: ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را پرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست

مکارم: آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم! که شیطان را پرستش نکنید که او برای شما دشمن آشکاری است؟

وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾

فولادوند: و اینکه مرا پرستید این است راه راست

مکارم: و اینکه مرا پرستید که راه مستقیم این است؟

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾

فولادوند: و [او] گروهی انبوه از میان شما را سخت گمراه کرد آیا تعقل نمی‌کردید

مکارم: او افراد زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾

فولادوند: این است جهنمی که به شما وعده داده می‌شد

مکارم: این همان دوزخی است که به شما وعده داده میشد.

اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾

فولادوند: به [جرم] آنکه کفر می‌ورزیدید اکنون در آن درآید

مکارم: امروز وارد آن شوید و به آتش آن بسوزید به خاطر کفری که داشتید!

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾

فولادوند: امروز بر دهانهای آنان مهر می‌نهمیم و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان بدانچه فراهم می‌ساختند گواهی

مکارم: امروز بر دهان آنها مهر مینهم، و دستهایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان کارهائی را که انجام میدادند شهادت میدهند.

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾

فولادوند: و اگر بخواهیم هر آینه فروغ از دیدگان‌شان می‌گیریم تا در راه [کج] بر هم پیشی جویند ولی [راه راست را] از کجا می‌توانند ببینند

مکارم: و اگر بخواهیم چشمان آنها را محو میکنیم، سپس برای عبور از راه می‌خواهند بر یکدیگر پیشی بگیرند اما چگونه میتوانند ببینند؟!

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾

فولادوند: و اگر بخواهیم هر آینه ایشان را در جای خود مسخ می‌کنیم [به گونه‌ای] که نه بتوانند بروند و نه برگردند
مکارم: و اگر بخواهیم آنها را در جای خود مسخ میکنیم (و به مجسمه‌هائی بیروح میدل می‌سازیم) تا نتوانند راه خود را ادامه دهند یا به عقب برگردند.

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾

فولادوند: و هر که را عمر دراز دهیم او را [از نظر] خلقت فروکاسته [و شکسته] گردانیم آیا نمی‌اندیشند
مکارم: هر کس را که طول عمر دهیم در آفرینش واژگونه میکنیم (و به ناتوانی کودکی باز میگردانیم) آیا اندیشه نمی‌کنند؟

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ ﴿٦٩﴾

فولادوند: و [ما] به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست این [سخن] جز اندرز و قرآنی روشن نیست
مکارم: ما هرگز شعر به او نیاموختیم، و شایسته او نیست، این (کتاب آسمانی) تنها ذکر و قرآن مبین است.

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾

فولادوند: تا هر که را [دلی] زنده است بیم دهد و گفتار [خدا] در باره کافران محقق گردد
مکارم: هدف این است که افرادی را که زنده‌اند انذار کند و بر کافران اتمام حجت شود و فرمان عذاب بر آنها مسلم گردد.

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧١﴾

فولادوند: آیا ندیده‌اند که ما به قدرت خویش برای ایشان چهارپایانی آفریده‌ایم تا آنان مالک آنها باشند
مکارم: آیا آنها ندیدند که از آنچه با قدرت خود به عمل آورده‌ایم چهارپایانی برای آنها آفریدیم که آنان مالک آن هستند؟

وَدَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾

فولادوند: و آنها را برای ایشان رام گردانیدیم از برخی شان سواری می‌گیرند و از بعضی می‌خورند
مکارم: آنها را رام ایشان ساختیم، هم مرکب آنان از آن است و هم از آن تغذیه می‌کنند.

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾

فولادوند: و از آنها سودها و نوشیدنیها دارند پس چرا شکرگزار نیستید
مکارم: و برای آنان منافع دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنیهای گوارائی، آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾

فولادوند: و غیر از خدا [ی یگانه] خدایانی به پرستش گرفتند تا مگر یاری شوند
مکارم: آنها غیر از خدا معبودانی برای خویش برگزیدند به این امید که یاری شوند.

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحَضَّرُونَ ﴿٧٥﴾

فولادوند: [ولی بتان] نمی‌توانند آنان را یاری کنند و آنانند که برای [بتان] چون سپاهی احضار شده‌اند
مکارم: ولی آنان قادر به یاری ایشان نیستند و این (عبادت کنندگان در قیامت) لشکر آنها خواهند بود که در آتش دوزخ حضور می‌یابند!

فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾

فولادوند: پس گفتار آنان تو را غمگین نگرداند که ما آنچه را پنهان و آنچه را آشکار می‌کنند می‌دانیم
مکارم: بنا بر این سخنان آنها تو را غمگین نسازد، ما آنچه را پنهان می‌دارند یا آشکار می‌کنند می‌دانیم!

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٧٧﴾

فولادوند: مگر آدمی ندانسته است که ما او را از نطفه‌ای آفریده‌ایم پس بناگاه وی ستیزه‌جویی آشکار شده است
مکارم: آیا انسان ندید (نمیداند) که ما او را از نطفه‌ای بیارزش آفریدیم، و او (چنان صاحب قدرت و شعور و نطق شد که) به
مخاصمه آشکار برخاست!

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾

فولادوند: و برای ما مثالی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد گفت چه کسی این استخوانها را که چنین پوسیده است زندگی
می‌بخشد

مکارم: و برای ما مثالی زد و آفرینش خود را فراموش کرد، و گفت چه کسی این استخوانها را زنده میکند در حالی که پوسیده

است ؟

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

فولادوند: بگو همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هر [گونه] آفرینشی داناست

مکارم: بگو: همان کسی آنرا زنده میکند که نخستین بار آنرا آفرید، و او به هر مخلوقی آگاه است!

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾

فولادوند: همو که برایتان در درخت سبزمخام اخگر نهاد که از آن [چون نیازتان افتد] آتش می‌افروزید

مکارم: همان کسی که برای شما از درخت سبز آتش آفرید، و شما به وسیله آن آتش می‌افروزید.

أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾

فولادوند: آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده توانا نیست که [باز] مانند آنها را بیافریند آری اوست آفریننده دانا

مکارم: آیا کسی که آسمانها و زمین را آفرید قدرت ندارد همانند آنها (انسانهای خاک شده) را بیافریند؟ آری (میتواند) و او آفریدگار

دانا است!

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾

فولادوند: چون به چیزی اراده فرماید کارش این بس که می‌گوید باش پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود

مکارم: فرمان او تنها این است که هر گاه چیزی را اراده کند به او می‌گوید: موجود باش آن نیز بلافاصله موجود میشود!

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

فولادوند: پس [شکوهمند و] پاک است آن کسی که ملکوت هر چیزی در دست اوست و به سوی اوست که بازگردانیده

می‌شوید

مکارم: پس منزّه است خداوندی که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست او است، و (همگی) به سوی او باز می‌گردید.